

باسمه تعالی

رکن مدیریت در شرکت های سهامی دو مدیریتی فرانسه

منبع

Memento Pratique Francis Lefeaure
Societes Commerciales

Par

B.mercadal et ph. Janan

۱۹۹۵

استاد: آقای دکتر ربیعا اسکینی

درس: حقوق تجارت تطبیقی

دانشجو: عبداله شهابی

دانشگاه تهران

پردیس قم

۱۳۸۶

فصل دوم

مقدمه

سیستم مدیریتی شرکت سهامی با مدیریت «هیأت مدیران و شورای نظارت» ناشی از تفکیک میان وظایف هیأت اداره کننده و شورای نظارت بر اداره شرکت است، به این ترتیب مدیریت شرکت توسط هیأت مدیران و هیأت نظارت هر دو انجام می شود، در حالیکه در شرکت های سهامی سستی مدیریت بر عهده هیأت مدیره گذاشته شده است.

استفاده از این روش مدیریت شرکت، تنها تفاوتی است که این نوع شرکت با شرکت های سهامی سستی دارد و از جهات دیگر (کار مجمع عمومی، انتشار سهام و کنترل شرکت توسط بازرسان) هر دو نوع شرکت از مقررات یکسانی تبعیت می کنند.

اداره شرکت با این شیوه: مدیریت «هیأت مدیران و هیأت نظارت» از قانون آلمان اقتباس شده است. در کلیه مدارک شرکت باید قید شود که شرکت از نوع شرکت های سهامی دارای هیأت مدیران و شورای نظارت است، تا اشخاص ثالث از نوع شرکت مطلع شوند (ماده ۵۶ آیین نامه). [۲۳۸ - ۲۴۳]

مطالب این فصل را در دو بخش بررسی می کنیم؛ در بخش اول به هیأت مدیران و بخش دوم به هیأت نظارت می پردازیم.

^۱. Directoire et conseil de surveillance

بخش اول: هیأت مدیران

این بخش به چهار مبحث تقسیم می شود:

مبحث اول - اعضای هیأت مدیران

مبحث دوم - طرز کار هیأت مدیران

مبحث سوم - رژیم حقوقی قراردادهای میان شرکت و اعضای هیأت مدیران

مبحث چهارم - مسئولیت مدنی و کیفری اعضای هیأت مدیران

مبحث اول - اعضای هیأت مدیران

الف - تعداد اعضای هیأت مدیران

تعداد اعضاء هیأت مدیران نمی تواند بیش از ۵ نفر باشد، معذک هرگاه سهام شرکتي در بورس اوراق بهادار معامله شود، تعداد اعضاء هیأت مدیران می تواند به ۷ نفر بالغ شود (بند ماده ۵۸-۲۲۵ ل.ق.ت).

این یکی از تفاوت های این نوع شرکت با شرکت سهامی سستی (دارای هیأت مدیره) است، چه در شرکت های دومدیریتی امکان انتصاب تا هفت نفر به عنوان اعضاء هیأت اداره کننده شرکت بستگی به میزان سرمایه ندارد، بلکه بستگی به آن دارد که شرکت در بورس اوراق بهادار حاضر باشد. بنا براین در صورتی که شرکت از بورس خارج گردد، موظف است تعداد اعضاء هیأت مدیران را به حداکثر ۵ نفر برساند، چنین محدودیتی در مورد شرکت های سستی (هیأت مدیره) ^۱ صادق نیست.

تعداد اعضاء هیأت مدیران در اساسنامه و یا توسط شورای نظارت معین می شود. (ماده ۹۶ آیین نامه) ^۲ هرگاه سرمایه شرکت کمتر از ۱۵۰,۰۰۰ یورو باشد، هیأت مدیران می تواند فقط از یک نفر تشکیل

شود. در چنین فرضی، همین شخص «مدیر عمومی منفرد» شرکت خواهد بود (ماده ۵۹-۲۲۵ ل.ق.ت).

مفهوم مخالف این مقررات این است: در صورتی که سرمایه شرکت معادل، یا بیش از ۱۵۰,۰۰۰ یورو

باشد، هیأت مدیران باید از حداقل ۲ نفر تشکیل شود. ^۳ مطالبی که در پایین خواهد آمد در مورد

مدیر عمومی منفرد نیز قابل اعمال خواهد بود.

ب. انتصاب اعضاء هیأت مدیران

• شرایط انتصاب

^۱ منظور آیین نامه اجرایی قانون مصوب ۱۹۶۶ است که در ۲۳ مارس ۱۹۶۷ توسط شورای دولتی فرانسه به تصویب رسید.

۱- سهامدار یا غیرسهامدار: برخلاف آنچه در مورد اعضاء هیأت مدیره شرکت های سهامی سستی (تک مدیریتی) مقرر شده است، اعضاء هیأت مدیران شرکت دو مدیریتی می توانند سهامدار یا غیر سهامدار باشند، (مگر) آنکه اساسنامه خلاف آن را پیش بینی نموده باشد (بند ۳ ماده ۵۹-۲۲۵ ق.ت). همانند رئیس هیأت مدیره، اعضاء هیأت مدیره و مدیران عمومی شرکت های سهامی سستی، اعضاء هیأت مدیران نمی توانند دارای سهام ممتاز (با امتیاز سود ترجیحی) که توسط شرکت صادر می شود باشند. عدم مراعات این قاعده مستوجب شش ماه حبس یا پرداخت ۶,۰۰۰ یورو جریمه است (۱-۶۷ ق.ت)، این مجازات در صورتی که همسر و فرزندان صغیر مدیران سهامدار دارای چنین سهامی باشند نیز اعمال می شود (ماده ۱۷-۲۲۸ و ۴-۴۵ ق.ت).

۲- اشخاص حقیقی: در شرکت های دو مدیریتی اعضاء هیأت مدیران باید (الزاماً) از اشخاص حقیقی باشند. انتخاب اشخاص حقوقی به عضویت هیأت مدیران باطل است (ماده ۵۹-۲۲۵ ق.ت). در شرکت های سستی چنین محدودیتی وجود ندارد.

حداکثر سن برای مدیران در این شرکت ها همانند شرکت های سهامی سستی ۶۵ سالگی است. ۳- اهلیت: شرایط راجع به اهلیت با شرایط اهلیت مدیران در شرکت های سستی تفاوت ندارد. بنابراین کسانی که دارای اهلیت قانونی هستند (۱۸ سال تمام) حق مدیریت را ندارند. صغیر غیر محجور می تواند بدون هیچ محدودیتی عضو هیأت مدیران شود، همانطور که می تواند عضو هیأت مدیره شرکت های سهامی سستی باشد. صغیر محجور^۱ برعکس نمی تواند مدیر باشد (ماده ۶۰-۲۲۵ ل.۱).

۴- اشخاص بیگانه: شخص بیگانه می تواند تنها عضو ساده هیأت مدیران باشد (نه رئیس هیأت)، بدون این که لازم باشد که برای این امر کارت بازرگانی داشته باشد؛ ولی هرگاه بخواهد دارای نمایندگی شرکت در مقابل اشخاص ثالث باشد، در این صورت باید کارت بازرگانی داشته باشد.

۵- محرومیت های قانونی: همان مصادیقی که برای شرکت های سهامی سستی در ارتباط با

محرومیت از مدیریت وجود دارد در مورد عضویت در هیأت مدیران شرکت های مورد بحث

وجود دارد، بنابراین اشخاص ذیل نمی توانند مدیر شرکت های دو مدیریتی گردند:

^۱. mineur emancipé

^۲. mineur mom emancipé

^۳. Carte de commerçant

« مسئله دهمی »

d.
ω

✓ ۱-۴. وکلای دادگستری نمی توانند عضو هیأت مدیران این نوع شرکت باشند، مگر این که شرکت برای اداره منافع خانوادگی یا حرفه ای ایجاد شده باشد (ماده ۱۱۱ آیین نامه ۲۷ نوامبر ۱۹۹۱).

✓ ۲-۴. بازرسان حساب^۱ می توانند عضو هیأت مدیران شرکت هایی باشند که محرومیت های خاص موضوع ماده ۲۲۴-۲۲۵ قانون تجارت در مورد آن ها اعمال نمی شود،^۲ ماده مزبور اشخاص زیر را از این که بازرسان یک شرکت باشند ممنوع کرده است و چون بحث تفصیلی موضوع در بحث ما نمی گنجد فقط به ذکر نام آن ها اکتفا می کنیم:

- مؤسسين
 - آورندگان اموال غیر نقد
 - استفاده کنندگان از امتیازات خاص
 - اعضاء هیأت مدیره یا هیأت مدیران یا اعضاء شورای نظارت شرکت مادر یا شرکت های وابسته به آن
 - پدران و مادران و وابستگان تا درجه چهارم اشخاص فوق
- ۳-۴. کارشناسان رسمی حسابرسی که سابقاً حضورشان به عنوان عضو هیأت مدیره در بعضی شرکت ها توسط قانون کارشناسان حسابرسی ممنوع اعلام شده بود از این محرومیت خارج شده اند.
- ۴-۴. کارکنان دولت نمی توانند هرگونه شغل درآمدزا اختیار نمایند (قانون ۱۳ ژوئیه ۱۹۸۳). نتیجه این که کارکنان دولت در زمان تصدی شغل دولتی و تا ۵ سال از توقف وظایف مذکور نمی توانند مدیر شرکت شوند.

۵-۴. سردفتران نیز به موجب قانون ۱۹ دسامبر ۱۹۴۵ نمی توانند عضو هیأت مدیران یک شرکت دارای هیأت مدیران و شورای نظارت گردند. هرچند می توانند عضو هیأت مدیره شرکت های سهامی سستی و عضو شورای نظارت شرکت های دارای هیأت مدیران و شورای نظارت باشند، در صورت اخیر هم سردفتران نمی توانند اسناد این شرکت را در اجرای وظایف شان تحویل بگیرند.

۶-۴. اعضاء پارلمان نیز نمی توانند در پاره ای از شرکت ها مثل شرکت های ملی مدیر یا عضو تمام وقت هیأت مدیره شوند یا عضو شرکت هایی شوند که به کار خرید زمین و ساخت و ساز اشتغال دارند.

Not absolutely

^۱. commissaires aux comptes

^۲. لازم به ذکر است ماده ۲۲۴-۲۲۵ ق.ت. در سال ۲۰۰۳ نسخ شده است.

۷-۴. اعضاء هیأت دولت نیز به موجب ماده ۲۳ قانون اساسی از عضویت در هیأت مدیره هر نوع شرکته محروم هستند.

علاوه بر موارد فوق، هیچ یک از اعضاء هیأت مدیران نمی توانند عضو شورای نظارت همان شرکت باشد (ماده ۷۴-۲۲۵ ق.ت) و بر عکس، هرگاه یکی از اعضای هیأت مدیران منصوب شود از تاریخ انتصاب، عضویت او در شورای نظارت ملغی می گردد (ماده ۹۸ آیین نامه).

هرگاه شخصی بدون توجه به ممنوعیت های فوق به عنوان عضو هیأت مدیران انتخاب شود انتخاب او و نیز مشورت های راجع به انتصاب او (تصمیم مجمع عمومی) باطل است، معذک شرکت و اشخاص ثالث نمی توانند برای سرباز زدن از تعهدات شان به این بطلان استناد کنند (بند ۱ ماده [۸] قانون تجارت) [۹-۲۱۰-۹].

۵- محرومیت های ناشی از محکومیت: بعضی محکومیت های قضایی موجب محرومیت اشخاص از عضویت در هیأت مدیران می شود. این محرومیت ها توسط سه قانون زیر پیش بینی شده است: قانون نخست - قانون اجرایی ۸ اوت ۱۹۳۵: به موجب ماده ۶ این قانون حکم محکومیت قطعی به مجازات برای جرائم زیر موجب محرومیت محکوم علیه از مدیریت هر نوع شرکت سهامی و شرکت با مسئولیت محدود است. این جرائم عبارتند از: سرقت، خیانت در امانت، کلاهبرداری یا جرایمی که در حکم کلاهبرداری هستند، ورشکستگی به تقلب، اختلاس، اخذ پول یا اوراق بهادار به عنف، صدور با سوء نیت چک بلامحل، لطمه به اعتبار (credit) دولت، نگهداری اموال تحصیل شده از طریق ارتکاب جرائم فوق.

شروع به ارتکاب جرائم فوق و شرکت در ارتکاب آن ها نیز مشمول همین قاعده خواهد بود. در خصوص این ماده تذکر چند نکته ضرورت دارد:

۱- اولاً، ممنوعیت اداره شرکت به سبب ارتکاب جرائم فوق به طور قهری و بدون آن که نیاز به قید در حکم محکومیت وجود داشته باشد، برقرار می شود، معذک دادگاه می تواند حین صدور حکم اصلی یا بعد از آن تمام یا قسمتی از این محکومیت تبعی را بی اثر کند یا مدت آن را تقلیل دهد (ماده ۷۰۲-۱ ق.آ.د.ک).

۸- ثانیاً، حکم محکومیت باید قطعی باشد؛ یعنی قابلیت اعتراض نداشته باشد.

۹- ثالثاً، محکومیت هایی که توسط مراجع قضایی خارجی صادر شده باشد نیز مشمول مقررات ماده ۶ قانون فوق الذکر هستند (بند ۸ ماده ۷ قانون ۱۹۳۵).

۷۸ رابعاً، تعلیق مجازات اصلی موجب تعلیق محرومیت از مدیریت نیست مگر این که مهلت تعلیق گذشته و محکوم علیه مرتکب جرم جدیدی که اثر تعلیق را از بین ببرد نشده باشد.

۷۹ خامساً، محرومیت از مدیریت شرکت به سبب محکومیت های فوق با (عفو) از میان برداشته می شود (قانون ۳ اوت ۱۹۹۵). همین اثربرابر عاده حیثیت محکوم علیه مترتب است.^۱

قانون دوم - قانون ۳۰ اوت ۱۹۴۷: ماده یک این قانون یک سری محکومیت ها را به سبب ارتکاب جرائمی پیش بینی کرده است که از آن جمله است، محکومیت به مجازات جنایی یا محکومیت به حبس سه ماه یا بیشتر به دلیل سرقت، کلاهبرداری، ربا، تقلب (تدلیس) و جعل یا محکومیت های ناشی از ارتکاب جرائم مذکور در قانون گمرکات، این محکومیت ها موجب محرومیت از مدیریت شرکت های تجاری از جمله محرومیت از عضویت هیأت مدیره یا مدیران شرکت سهامی است. دادگاه مدت محرومیت را معین می کند و این مدت نمی تواند کمتر از پنج سال باشد (ماده ۴ قانون ۱۹۴۷).

۱ قانون سوم - قانون ۲۵ ژانویه ۱۹۸۵: ماده ۱۸۶ این قانون نیز اشخاصی را که علیه آن ها حکم محکومیت به «ورشکستگی شخصی» صادر شده است از مدیریت مستقیم یا غیر مستقیم یک شرکت تجاری یا یک شرکت پیشه وری یا یک شخص حقوقی که موضوعش فعالیت اقتصادی است ممنوع کرده است، البته دادگاه می تواند به جای صدور حکم ورشکستگی شخصی که نتیجه اداره بد شرکت یا مؤسسه است مدیران مؤسسات فوق را از اداره یا نظارت شرکت ها و اشخاص حقوقی فعال در امور اقتصادی محروم کند.

۶۰ جمع بین تصدی مدیریت و قرارداد:

نویس: ۲۵ مهر ۱۳۵۷

عضو هیأت مدیران می تواند در عین حال کارمند مزد بگیر شرکت هم باشد این نکته را رویه قضایی فرانسه هم تأیید کرده است در این صورت قرار داد کار منعقد بین عضو هیأت مدیران و شرکت تابع مقررات حاکم بر قرارداد های منعقد بین شرکت و یکی از اعضاء هیأت مدیران است اعضاء هیأت مدیران باید آن را تأیید کنند. این تأیید بسته به اساسنامه ممکن است مبتنی بر (اتفاق) یا اکثریت آراء مدیران باشد، قرارداد از یک طرف توسط مدیری که قرارداد کار با شرکت منعقد می کند امضا می شود و از طرف دیگر یعنی از طرف شرکت توسط یکی از اعضاء هیأت مدیران که نمایندگی به او داده شده است.

^۱. crim ۱۴ oct ۱۹۷۱. jep ۱۹۷۱. II ۱۹۶۲-۴

^۲. Soc. ۱۷ nov. ۱۹۸۸ Revue des societes ۱۹۵۹ ۲۳۲ note petit

هرگاه برخلاف فرض بالا کارمندی بخواهد عضو هیأت مدیران شود لازم نیست قرارداد کار او به تأیید هیأت مدیران هم برسد چرا که قرارداد کار قبل از مدیر شدن کارمند مورد بحث اعتبار داشته و نیازی به تنفیذ آن نیست. هرگاه قرارداد قبلی تغییر کند یا پس از مدیر شدن کارمند لازم باشد تمدید شود قرارداد اخیر باید به تصویب هیأت مدیران برسد.

لازم به ذکر است که قرارداد کار عضو هیأت مدیران در صورتی قابل طرح و تصویب است که برای کار واقعی و با تعیین وظایف مشخص باشد و نه برای انجام کارهای عمومی مدیریتی. علاوه بر این شرط تحقق قرارداد کار این است که بین شرکت و شخص ذینفع رابطه امر و مأموری ایجاد شود، بنا بر این واگذاری کارهای موقت و با اختیارات تام و امثال این ها قرارداد، مشمول قواعد فوق نیست.

۷- محدودیت در تصدی چند پست مدیریتی: به موجب ماده ۶۷-۲۲۵ قانون تجارت هیچکس

نمی تواند در آن واحد در بیش از یک هیأت مدیران عضویت داشته باشد.

چنین قاعده ای در مورد پست رئیس هیأت مدیره و مدیر عمومی نیز وجود دارد. معذک بر این محدودیت استثناهایی وجود دارد که در ماده ۷۷-۲۲۵ قانون تجارت پیش بینی شده است، مدیریت متعدد عمدتاً در شرکت هایی است که به موجب مقررات خاص؛ ۱. مدیران در آن ها دستمزد نمی گیرند؛ ۲. شرکت هایی که هنوز در مرحله مطالعه و تحقیق هستند و به بهره برداری نرسیده اند (که متضمن سود باشد). ۳. شرکت های توسعه محلی شرکت هایی که در ماده ۶۷-۲۲۵ قانون تجارت آمده اند.

محدودیت مورد بحث موجب بطلان اعمال مدیران در شرکت های مزبور یا بطلان اقدامات شرکت ها نیست. متخلف باید ظرف سه ماه از تاریخی که به سمت ممنوع منصوب شده است، از سمت های مذکور استعفا دهد و الا از سمت اضافی (که اخیراً احراز نموده) استعفی شناخته می شود و مبالغی را که بابت انجام وظایف در آن سمت دریافت کرده است را باید مسترد دارد. معذک تصمیمات اتخاذ شده با حضور او در هیأت مدیران باطل نیست (بند ۳ از ماده ۴۷-۲۲۵ ق.ت).

۷۷ مکرر - محدودیت سنی در احراز سمت مدیر: اساسنامه باید حداکثر سن کسانی را که به عضویت هیأت مدیران انتخاب می شوند معین کند. هرگاه در اساسنامه پیش بینی خاصی نشده باشد حداکثر سن برای احراز سمت مدیریت ۶۵ سال است. هرگاه مدیر به سن منعکس در اساسنامه برسد و یا در صورت عدم قید در اساسنامه، مدیر به ۶۵ سالگی برسد مستعفی شناخته می شود. در صورتی که برخلاف مقررات اساسنامه یا قانون عمل شده باشد (انتصاب باطل است) ماده

exc
being in several
board of directors.

۶۰-۲۵ (ق.ت). در مورد شرکت های بخش عمومی (دولتی) حداکثر سن برای مدیریت ۶۵ سالگی است و خلاف آن را اساسنامه نمی توان مقرر نمود.

۸- شرایط خاص: ممکن است برای احراز سمت مدیریت قانون خاص یا اساسنامه شرایط خاصی پیش بینی کرده باشد مانند شرط تابعیت فرانسوی، گواهی سابقه کار در شرکت ها و غیره، به عنوان مثال کسانی می توانند در شرکت های تولید یا فروش دارو، رئیس هیأت مدیران شوند که دارای دیپلم یعنی دکتری داروسازی باشند (ماده ۵۱۱۳-R قانون بهداشت عمومی). به نظر می رسد که اساسنامه هم می تواند برای احراز سمت عضویت در هیأت مدیران شروط خاص مقرر کند (دیپلم، تابعیت، شرط تجربه در حرفه خاص و غیره).

۹- طرز انتخاب اعضاء هیأت مدیران: تنها شورای نظارت حق انتصاب اعضاء هیأت مدیران را دارد. همین طور حق انتخاب مدیر عمومی واحد نیز با شورای نظارت است (ماده ۵۹-۲۵ ق.ت).

این صلاحیت انحصاری جنبه نظم عمومی دارد و اساسنامه یا مجمع عمومی نمی توانند اعضاء هیأت را انتخاب کنند.

هرگاه یکی از اعضاء فوت یا استعفا کند شورای نظارت باید حداکثر تا دو ماه جانشین او را انتخاب کند (بند ۱ ماده ۹۷ آیین نامه). در غیر این صورت دادگاه تجارت به درخواست هردینفع جانشین موقت عضو خارج شده را معین می کند، شورای نظارت می تواند هر موقع جانشین شخص موقت را انتخاب کند (بند ۲ ماده ۹۷ آیین نامه).

۱۰- انتشار انتصابات اعضاء هیأت مدیران: انتصاب اعضاء هیأت مدیران باید به روش های زیر به اطلاع عموم برسد:

- درج در روزنامه مخصوص آگهی های متشهره مرکز اصلی شرکت؛
- تسلیم دو نسخه از تصمیم شورای نظارت به دفتر دادگاه تجارت؛
- ثبت در دفتر ثبت تجاری و شرکت های مرکز اصلی شرکت؛
- نشر آگهی در بولتن BODACC توسط مدیر دفتر دادگاه تجارت مربوطه، به درخواست شرکت.

ج. مدت تصدی هیأت مدیران

۱- تعیین مدت : از تاریخ تصویب قانون شماره ۱۵-۸۸ مصوب ۱۵ ژانویه ۱۹۸۸ مهلت تصدی (مأموریت) اعضای هیأت مدیره را می توان در اساسنامه بین ۲ تا ۶ سال معین نمود. هرگاه اساسنامه قیدی در این خصوص نداشته باشد، مهلت مأموریت مانند سابق ۴ سال خواهد بود (ماده ۶۲-۲۲۵ ق.ت).

مجمع عمومی فوق العاده می تواند این مهلت را تغییر دهد، در صورتی که مجمع مهلت تعیین شده را تقلیل دهد، این تصمیم برای مدیران شاغل (فعلی) نیز لازم الاجرا است، هرچند که مدت مأموریت آنان قبلاً بیشتر معین شده باشد. به نظر می رسد تصمیم مجمع نباید تنها به قصد زیان رساندن به حقوق اعضای هیأت مدیران باشد در غیر این صورت شرکت ممکن است محکوم به پرداخت خسارت به اعضای هیأت مدیران زیان دیده بشود. پس از گذشت مهلت معین شده همه اعضای هیأت مدیران باید به تصدی خود پایان دهند، حتی جانشینان کسانی که در جریان کار هیأت مدیران به سبب فوت یا استعفا یا حجر از هیأت مدیران خارج شده اند (ماده ۶۲-۲۲۵ ق.ت).

مسئله ای که مطرح شده این است که آغاز مأموریت هیأت مدیران از چه تاریخی است. ظاهراً در مورد هیأت مدیرانی که در طول حیات شرکت انتخاب می شوند مشکلی وجود ندارد تاریخ آغاز مأموریت آن ها همان است که شورای نظارت معین می کند. شورای مزبور باید طوری این تاریخ را معین کند که فاصله ای بین تصدی هیأت مدیران سابق و لاحق بوجود نیاید.

مشکل در موردی پیش می آید که اولین هیأت مدیران انتخاب می شوند. بعضی گفته اند که در تاریخ شروع مأموریت مدیران همزمان است با ثبت شرکت در دفتر ثبت تجاری شرکت ها نه تاریخ انتصاب آن ها، بعضی دیگر گفته اند که آغاز مهلت مأموریت همزمان است با لحظه ای که هیأت مدیران قبول سمت می کنند، به نظر می رسد که نظراً اول صحیح باشد زیرا وقتی شخصیت حقوقی شرکت از زمان ثبت آن در دفتر ثبت تجاری شرکت ها آغاز می شود چگونه می توان قبول کرد که مدیران قبلاً احراز سمت کنند.

۲- تجدید مأموریت هیأت مدیران:

با توجه به سکوت قانون در این مورد، مأموریت اعضای مدیران قابل تمدید است، (مگر آن که اساسنامه خلاف آن را پیش بینی کرده باشد).

^۱ Francis le Febvre Memento pratique des societes commerciales

^۲ Hemard et autres, societes commerciales

مدت مأموریت
مدت مأموریت

د.
سکه

شورای نظارت پس از اتمام مأموریت تعیین شده هیأت مدیران می تواند بعضی را مجدداً به آن سمت ابقا و برای برخی دیگر جانشین معین کند. لیکن باید توجه داشت که تمدید مأموریت به جمع هیأت مدیران مربوط می شود، برخلاف انتصاب اعضاء هیأت مدیره شرکت های تک مدیریتی (کلاسیک) که می توان در مراحل مختلف به تغییر اعضاء مبادرت نمود، در این جا هیأت مدیران کلاً انتخاب می شود. ماده ۶۲-۲۲۵ قانون تجارت از تجدید هیأت مدیران صحبت می کند.

هرگاه به تجدید مأموریت هیأت اقدام نشود، مدیران، مدیران عملی شرکت تلقی شده و اقدامات شان در مقابل اشخاص ثالث معتبر است و شرکت نمی تواند به بطلان اقدامات آن ها در مقابل اشخاص مزبور متوسل شود. به نظر می رسد که تجدید مأموریت هیأت مدیران نیاز به انتشار و آگهی برای عموم ندارد.

۳- ختم مأموریت هیأت مدیران

۱-۳. مأموریت هیأت مدیران در موارد زیر پایان می گیرد:

۱. هرگاه مهلت مأموریت پایان گرفته باشد و مطابق آن چه گفتیم مأموریت تمدید نشده باشد؛

۲. هرگاه محدودیت سنی پیش آید؛

۳. در صورت فوت؛

۴. در صورت تبدیل یا انحلال شرکت؛

۵. در صورتی که مجمع عمومی فوق العاده رژیم حقوقی شرکت های سهامی تک مدیریتی را انتخاب کرده و در مورد آن تصمیم گیری کرده باشد (یعنی شرکت را به صورت شرکت سهامی با مدیریت کلاسیک در آورده باشد)؛

۶. مأموریت هیأت مدیران در صورت عزل یا استعفا هم خاتمه می پذیرد.

۲-۳. عزل:

✓ برخلاف انتخاب عزل اعضاء هیأت مدیران انحصاراً در صلاحیت مجمع عمومی است (ماده ۶۱-۲۲۵ ق.ت).

توجه این راه حل این است که مجمع عمومی می تواند بین هیأت مدیران و شورای نظارت نقش داور داشته باشد، معذک اگر اساسنامه پیش بینی کرده باشد عزل توسط شورای نظارت (نیز مؤثر است) (۶۱-۲۲۵ ق.ت).

✓ براساس رویه قضایی عضوی از هیأت مدیران را که شریک نیست می توان بدون داشتن حق دفاع از خود در مجمع عمومی از کاربرکنار کرد.^۱ ولی ظاهراً این راه حل خیلی هم مطمئن و قاطع نیست.

✗ عزل اعضاء هیأت مدیره نیاز به توجیه ندارد، لیکن اگر عضو برکنار شده بتواند ثابت کند که تصمیم به عزل او بدون دلیل موجه بوده است، خواهد توانست جبران خسارت وارده به خود در اثر عزل را مطالبه کند (ماده ۶۱-۲۲۵ ق.ت.).^۲

رویه قضایی صورت های گوناگونی برای عزل مدیر پیش بینی نموده است:

- ✓ • عزل مدیر به خاطر حفظ منافع شرکت غیر موجه نیست؛^۳
 - ✓ • هرگاه اختلاف نظر میان عضو قدیمی و اکثریت اعضاء جدید هیأت مدیران به قاطعیت تصمیم گیری در هیأت لطمه بزند عزل عضو مخالف غیر موجه نیست^۴ (رای ۲۲ نوامبر ۱۹۸۳ دادگاه Angers).
 - هرگاه دلایل ارائه شده شورای نظارت برای عزل مدیر با واقعیت تطبیق نکنند و نشان از اراده شورای نظارت به ختم مأموریت مدیر به هر قیمتی داشته باشد عزل او غیر موجه است.^۵
 - ✓ • هرگاه رأی منفی یا ممتنع عضو هیأت مدیران در مجمع به مدیریت شرکت به نحو جاری لطمه نزنند، عزل این مدیر به سبب طرز رأی او غیر موجه است. مثل این که مدیر در مجمع به انتصاب شخص یا اشخاصی در شورای نظارت رأی سفید بدهد.^۶
- علاوه بر این هرگاه ذینفع با شرکت قرارداد کار منعقد کرده باشد ختم مأموریت او به عنوان عضو هیأت مدیران تأثیری در قرارداد کار او ندارد (بند ۲ ماده ۶۱-۲۲۵ ق.ت.).
- تبدیل شرکت سهامی دو مدیریتی به یک مدیریتی و از دست دادن پست مدیریتی عضو هیأت مدیران دلیل غیر موجه نیست تا عضوی که پست خود را از دست داده بتواند مطالبه خسارت کند چه این امر به منزله عزل بدون عذر موجه نیست.^۷
- ۳-۳. موارد خاص عزل رئیس هیأت مدیران:

^۱ Anjers. ۲۲ nov. ۱۹۸۳. rev. soc ۱۹۸۵، ۷۸۲ note plaisant

^۲ .Com. ۲۴ avril ۱۹۹۰ BRDA ۱۹۹۰/۱۳ p. ۹

^۳ .Com ۲۳ juin ۱۹۷۵ bull IV ۱۷۷.

^۴ .Houin. Revue trimesteriale de droit commercial

^۵ .Paris

^۶ .Paris ۲۰ dec ۱۹۸۲ Rev ۱۹۸۳-۷۸۶ note le cannu

نظاره‌گر است

۲۸۸

اگر قصد آن باشد که رئیس هیأت مدیران تنها از سمت ریاست هیأت بر کنار شود خود شورای نظارت می تواند او را عزل کند و لازم نیست که مجمع عمومی دخالت کند.^۱ به نظر می رسد این قاعده به این خاطر که قانون خلاف وجود ندارد با توجه به اصل صحت موجه باشد و این تصمیم به عزل، نیاز به توجیه نداشته باشد و رئیس هیأت مدیران نمی تواند مدعی جبران خسارت شود، حتی اگر عزل بدون عذر موجه باشد؛ در واقع عذر موجه در عزل فقط راجع است به اعضاء هیأت مدیران، در این مورد خاص تصمیم شورای نظارت فقط به وظایف رئیس مربوط می شود (یعنی از او سلب وظیفه می شود). با توجه به این که هیچ قاعده خاص در این مورد توسط قانون پیش بینی نشده است، مقررات عام وکالت (امکان عزل) بدون توجیه که در مورد وکیل اعمال می شود در این مورد بخصوص نیز حاکم است.^۲

(علاوه بر این شورای نظارت می تواند مدیران عمومی را نیز از نمایندگی شرکت در قبال اشخاص ثالث عزل کرده و آن ها را تبدیل به عضو ساده هیأت مدیران کند.)

۳-۴. استعفا

هر یک از اعضاء هیأت مدیران می تواند در هر زمان از مأموریت خود استعفا کند و این استعفا را کتباً به اعضاء دیگر هیأت مدیران و نیز شورای نظارت اطلاع دهد. معذک، اگر استعفای مدیر بدون عذر موجه باشد ممکن است به پرداخت خسارت وارده به شرکت به تناسب زیان وارده محکوم شود. این امر البته در مورد مدیران شرکت های دیگر هم صدق می کند.

مدیری که به محرومیت اجتماعی (حق اداره شرکت ها) محکوم شده باشد باید از سمت مدیریتی خود استعفا کند، همچنین است اگر مدیر به کاری مشغول شود که با مأموریت او در شرکت منافات داشته باشد. ۳-۵. انتشار توقف تصدی (مأموریت):

در همان شرایطی انجام می شود که برای اعضاء حین نصب آن ها مقرر است که به آن اشاره کردیم.

استعفا
استعفا
استعفا

^۱. Douai ۱۷ juin ۱۹۷۶ Rev soc ۱۹۷۷. ۲۶۶ note Burst

^۲. Paris ۷ juin ۱۹۳۸ Bull IV ۱۰۱۸.

مبحث دوم - طرز کار هیأت مدیران

الف. شور در هیأت مدیران

قانون در مورد شور در هیأت مدیران هیچ قاعده خاص وضع نکرده است و برای اطلاع از چگونگی بحث و تصمیم گیری هیأت باید به اساسنامه مراجعه کرد (بند ۲ ماده ۶۴-۳۲۵ ق.ت).
بنابر این مقتضی است که در اساسنامه مهلت های تشکیل جلسات، شرایط دعوت، حدنصاب، اکثریت و احیاناً شرایط راجع به قبول نمایندگی، شرایط مذاکرات و شور، تنظیم صورت مجلس و غیره، معین شوند.

اعضاء هیأت مدیران مکلف به ترتیب صورت مجلس مذاکرات خود نیستند^۱ معذک آیین نامه های داخلی معمولاً چنین تکلیفی را پیش بینی می کنند، به خصوص اگر مورد درخواست یکی از اعضا باشد. ولیکن پیش بینی طرز تشکیل و مذاکره در هیأت مدیران نباید در اساسنامه آن قدر مفصل ترتیب داده شود که کار عادی شرکت را مختل کند.

به نظر می رسد که هیأت مدیران می تواند یک آیین نامه داخلی در تکمیل روش کار پیش بینی شده در اساسنامه برای خود تدوین کند. معذک، این آیین نامه باید جنبه شورایی (مثلاً حضور حداقل سه نفر) هیأت مدیران را حفظ کند، به نحوی که هریک از اعضا برای شرکت در هیأت مدیران نماینده انتخاب کنند، مگر آن که یک شرط صریح در اساسنامه به آن ها برای این امر اجازه دهد. البته در صورت وجود چنین شرطی هریک از مدیران باید مدیر دیگری نه یک شخص خارج از شرکت را به عنوان نماینده خود انتخاب کند. ضمناً آیین نامه نمی تواند پیش بینی کند که رأی گیری از طریق مکاتبه انجام گیرد.

با توجه به این که قانون در این خصوص ساکت است، به نظر می رسد که جز در صورتی که اساسنامه یا آیین نامه داخلی مقرر کرده باشد، تصمیمات هیأت مدیران منوط به وجود نصاب خاص نیست و ممکن است با اکثریت ساده اتخاذ شوند.

به هر حال چه اساسنامه طرز تشکیل و شور در هیأت مدیران را معین کرده و چه نکرده باشد، قواعد زیر باید مراعات شوند:

اول. حفظ اسرار: اعضاء هیأت مدیران و هر شخص که برای شرکت در جلسات هیأت دعوت می شود باید اطلاعات محرمانه و مطرح شده به عنوان محرمانه توسط هیأت مدیران را مستور نگهدارد (ماده ۶۲-۶۳).

^۱ Rm M. Gantier j.o deb. A.N. ۲۸. jill ۱۹۷۹. P. ۶۴۱۴.

و هیأت مدیران را مطلع کند

۲۲۵ق.ت). این تعهد فاقد ضمانت اجرای کیفری است، بنابراین در صورت عمل برخلاف آن، نمی توان جز ضرر و زیان چیزی مطالبه کرد.

دوم. موافقت های راجع به رأی گیری : با توجه به اصل اساسی حاکم بر رأی دادن، اعضاء هیأت مدیران باید در دادن رأی آزاد باشند؛ در نتیجه قراردادهای راجع به رأی دادن به طرز بخصوصی که ممکن است بین بعضی از اعضاء توافق شود باطلند.

ب. نقش هیأت مدیران

۱- وسعت اختیارات هیأت مدیران:

هیأت مدیران دارای وسیع ترین اختیارات است و می تواند در هر شرایطی به نام شرکت عمل کند. مشروط به این که داخل در موضوع شرکت باشد. این اختیارات فقط در حدی محدود است که به موجب قانون برای شورای نظارت و مجامع عمومی صاحبان سهام مقرر است (ماده ۶۴-۲۲۵ق.ت).

به طور مشخص هیأت مدیران از صلاحیت های زیر برخوردار است:

۱. دعوت صاحبان سهام برای تشکیل مجامع عمومی (ماده ۱۰۳-۲۲۵-ق.ت)؛
۲. اقدام به افزایش سرمایه شرکت (ماده ۱۲۹-۲۲۵ق.ت) یا کاهش آن (۲۰۴-۲۲۵ق.ت) پس از تصویب

مجمع عمومی فوق العاده؛

۳. پیشنهاد پذیره نویسی یا خرید سهام به کارمندان شرکت پس از اخذ مجوز از مجمع عمومی فوق العاده (مواد ۱۷۷-۲۲۵-۱۷۹-۲۲۵ق.ت)؛

۴. انتشار اوراق قرضه با اختیار اعطاء نمایندگی جهت انتشار به رئیس هیأت مدیران یا یکی از اعضاء هیأت پس از تصویب مجمع عمومی عادی (ماده ۴۱-۲۲۸ق.ت)

۵. تغییر سرمایه متعاقب تبدیل اوراق قرضه به سهام (ماده ۱۶۳-۲۲۵ق.ت) ماده ۴-۱۷۴ آیین نامه ۱۹۶۷.

• تقسیم وظایف

علی الاصول اعضاء هیأت مدیران باید به صورت جمعی عمل کنند. معذک برای جلوگیری از سنگین شدن وظایف اداره قسمت های مختلف شرکت، اعضاء هیأت مدیران با اجازه شورای نظارت و مشروط به این که در اساسنامه شرط خلاف نباشد، می توانند وظایف اداره شرکت را بین خود تقسیم کنند (ماده ۹۹ آیین نامه).

با وجود تقسیم وظایف اعمال فردی هر عضو هیأت مدیران، عمل جمعی هیأت مدیران تلقی می شود. بنا بر این همه اعضاء مسؤول این اعمال تلقی می شوند (ماده ۱۹۹ آیین نامه). این است که در مقاطع مختلف هیأت مدیران باید از تصمیمات متخذه توسط مدیرانی که وظایف و مأموریت های خاص به آن ها واگذار شده مطلع شود.

به هر حال تصمیمات مهم باید با اکثریت آراء هیأت مدیران اتخاذ شود. جمع اعضاء هیأت مدیران باید تحت نظارت شورای نظارت خط مشی های اداره شرکت را معین کنند و خطوط اصلی سازماندهی شرکت را ترسیم نمایند. (رئیس هیأت مدیران اختیاراتی بیش از اعضاء ندارد و فقط علاوه بر اختیارات مزبور وظیفه نمایندگی شرکت نزد اشخاص ثالث را هم دارد.)

۲- حدود اختیارات هیأت مدیران

۱- موضوع شرکت: مانند هر شرکتی هیأت مدیران شرکت سهامی دو مدیریتی تنها در حدود موضوع شرکت حق اقدام دارد. (بند ۱ ماده ۶۴-۲۵ ق.ت.)

معذک این قاعده فقط در روابط داخلی شرکت معتبر است. در قبال اشخاص ثالث شرکت موظف است جوابگوی اعمالی هم باشد که خارج از موضوع شرکت انجام شده است. البته شرکت می تواند ثابت کند که اشخاص ثالث از این که این اقدامات خارج از حدود موضوع فعالیت شرکت بوده اطلاع داشته اند و یا با توجه به اوضاع و احوال قضیه نمی توانسته اند از این امر بی اطلاع باشند، هر چند که صرف انتشار اساسنامه دلیل اطلاع اشخاص ثالث نیست (بند ۲ ماده ۶۴-۲۵ ق.ت.).

۲- اختیارات مجامع: هیأت مدیران نمی تواند به اقداماتی مبادرت کند که در صلاحیت مجامع عمومی است (بند ۱ ماده ۶۴-۲۵ ق.ت.).

۳- اختیارات شورای نظارت: هیأت مدیران نمی تواند به اعمالی مبادرت کند که در صلاحیت قانونی شورای نظارت است. (انتخاب اعضاء هیأت مدیران، رئیس هیأت مدیران و مدیران عمومی یا اجازه انعقاد قرارداد بین شرکت و اعضاء هیأت مدیران و غیره)

رویه قضائی چنین تصمیم گرفته است که هیأت مدیران نمی تواند به مجمع عمومی پیشنهاد عزل یکی از اعضای شورای نظارت را بدهد زیرا قانون ۱۹۶۶ بین ارگان اداره کننده به معنی اخص کلمه (هیأت مدیران) و ارگان کنترل کننده اداره شرکت (شورای نظارت) تفکیک کرده و اجازه نمی دهد که کنترل شونده کنترل کننده را تحت نظر داشته باشد.

^۱ Douai ۱۷juin ۱۹۷۶. Rev.soc. ۱۹۷۷, ۲۶۶ note Burst

^۲ Tribul. Com. Paris ۲۵ mars ۱۹۸۵. G. P. ۱۹۸۵, ۲۶۵

و به دستور این بانک ۴۷

(۴) تضمین توسط شرکت:

مدیران نمی توانند هیچگونه ضمانت عادی، ضمانت براتی و تضمین دیگری از جانب شرکت به نفع اعضای هیأت مدیران یا اشخاص ثالث بدهند، مگر با اجازه شورای نظارت. البته شرکت هایی که به فعالیت های بانکی یا مالی می پردازند از این قاعده مستثنی هستند (بند ۲ ماده ۱۶-۲۲۵ ق. ت و ماده ۱۱۳ آیین نامه). شرایط اعطاء این اجازه و قابلیت استناد به آن در مقابل اشخاص ثالث تابع همان قواعدی است که در مورد شرکت های تک مدیریتی و در خصوص اعطاء ضمانت به نفع مدیران گفته شده است. البته باید گفت که اگر شورای نظارت اجازه ندهد (هیأت مدیران می تواند مجمع عمومی را برای تصمیم گیری در این خصوص دعوت نماید) (ماده ۱۱۳ آیین نامه).
R ۴۴۵. ۴.

(۵) انتقال اموال غیر منقول ذاتی، مشارکت ها و وثائق:

فروش اموال غیر منقول، انتقالات کلی یا جزئی مشارکت ها و ایجاد وثائق باید پس از اجازه شورای نظارت انجام شود. (بند ۲ ماده ۶۸-۲۲۵ ق. ت) ظاهراً این محدودیت که در شرکت های تک مدیریتی وجود ندارد، موجب شده است که خیلی از فعالان تجاری به این نوع از شرکت سهامی روی نیاورند.

در مورد مقررات جدید چند نکته قابل ذکر است:

اول - عملیات مشمول اجازه: اجازه شورای نظارت برای اعمال زیر ضروری است:

۱. انتقال اموال غیر منقول ذاتی؛ یعنی زمین ها و هر چه در آن است و مخصوصاً بناات ساختمان ها (رک. ماده ۵۱۷ به بعد قانون مدنی).

۲. انتقالات مشارکت ها؛ این مشارکت ها عبارتند از سهامی است که شرکت در شرکت دیگر دارد و به او اجازه مانور در شرکت دوم می دهد. مشارکت در شرکت دیگر وقتی مصداق دارد که لا اقل ۱۰ درصد سهام شرکت اخیر در مالکیت شرکت اول باشد. فروش این مشارکت ها باید با اجازه شورای نظارت انجام گیرد.

۳. ایجاد وثیقه برای تضمین تعهدات خود شرکت؛ در این مورد باید گفت که ممنوعیت توثیق اموال شرکت به شرکت هایی هم راجع است که موضوعشان فعالیت های بانکی یا مالی است، این راه حل کاملاً موجه است. چه توثیق اموال شرکت بانکی یا شرکت مالی از اعمال جاری آن ها نیست تا معاف از اجازه باشد.

دوم - شرایط اعطاء اجازه: اصولاً برای کلیه عملیات بالا، اجازه شورای نظارت ضروری است. معذک شورای نظارت می تواند در مورد هر عملیاتی مبالغی رامعین نماید که تا میزان آن و کمتر

اجازه او لازم نخواهد بود (بندیک ماده ۱۱۳۱ آیین نامه). این مبلغ می تواند بر حسب طبیعت هر عملیاتی متفاوت باشد: مثلاً برای انتقالات اموال غیر منقول ۱,۰۰۰,۰۰۰ یورو برای انتقالات مشارکت ها ۱۵۰,۰۰۰ یورو برای وثائق ۱۰۰,۰۰۰ یورو در چنین مواردی برای مبلغ بیش از این ها لازم خواهد شد که اجازه شورای نظارت کسب شود.

معافیت های اعطایی شورای نظارت جنبه دائمی دارند و تا تصمیم جدید شورای مزبور معتبرند. در واقع هیچ متن قانونی یا آیین نامه ای مقرر نمی کند که این معافیت ها باید هر ساله تمدید شوند چیزی که در مورد تضمین ها صدق می کند.

۸۸ سوم- ضمانت اجراها: برخلاف رژیم حقوقی تضمین ها/اشخاص ثالث که با شرکت معامله کرده اند می توانند معاملات مزبور را صحیح تلقی کرده و انجام آن ها را از ناحیه شرکت مطالبه کنند، حتی اگر هیأت مدیران قبلاً اجازه شورای نظارت را اخذ نکرده باشند (مگر این که شرکت ثابت کند که اشخاص مزبور در حقیقت از این که شورای نظارت قبلاً اجازه انجام معاملات مزبور را نداده است آگاه بوده اند یا نمی توانسته اند آگاه نباشند) (بند ۲ ماده ۱-۱۱۴ آیین نامه) البته در اغلب موارد اثبات این امر بسیار دشوار خواهد بود.

۲۴۵-۴۴۵

بنا بر این شرکت حتی بدون مراعات مقررات مربوط به اخذ اجازه شورای نظارت، متعهد انجام معاملات است. لیکن اعضای هیأت مدیران باید جبران خسارت ناشی از عدم اجازه را که به شرکت وارد آمده است بکنند. چنین امری حتی توجیه کننده اخراج آن ها بدون پرداخت ضرر و زیان به آن ها است، چون خطائی که آن ها مرتکب شده اند دلیل موجهی بر عزل آن ها است.

تجدید قرار دادی اختیارات هیأت مدیران: اساسنامه شرکت می تواند اختیارات هیأت مدیران را با قید ضرورت کسب اجازه قبلی شورای نظارت برای بستن بعضی قراردادها و با ذکر این قراردادها محدود کند (بند ۲ ماده ۶۸-۲۵۰ ق.ت). لیکن این محدودیت های اساسنامه ای نسبت به اشخاص ثالث اعتبار ندارند (بند ۳ ماده ۶۴-۲۵۰ ق.ت). مثلاً اساسنامه می تواند تصمیمات هیأت مدیران در مورد عملیاتی نظیر وام بیش از یک رقم خاص/تملک اموال غیر منقول یا منقول بیش از یک مبلغ معین را موکول به اجازه قبلی شورای نظارت کند. هرگاه شورای نظارت اجازه ندهد هیأت مدیران

می تواند مجمع عمومی را برای تصمیم گیری و حل اختلاف دعوت کند (ماده ۱۰۰ آیین نامه). ۲۴۵-۴۴۵
محدودیت اختیارات هیأت مدیران نباید تا آن اندازه پیش برود که به حذف کامل اختیارات مدیریتی هیأت منجر شود. این محدودیت فقط در مورد تصمیمات مهم است. قاعده اخیر که رویه

در صورت لزوم

قضایی در مورد هیأت مدیره شرکت های سهامی تک مدیریتی مقرر کرده است^۱ قابل اعمال به شرکت های دو مدیریتی نیز هست. در واقع این قاعده نتیجه سازماندهی شرکت از طریق تعیین سلسله مراتب است و ارتباطی به نوع مدیریت (تک مدیریتی یا دو مدیریتی شرکت) ندارد^۲ حتی می توان گفت که نوع دو مدیریتی شرکت سهامی مراعات بیشتری صلاحیت های هریک از ارگان ها را به دنبال دارد زیرا در این جا تقسیم اختیارات بین هیأت مدیران شورای نظارت و مجمع عمومی مشخص تر و پررنگ تر است.

۳- نمایندگی شرکت

علی الاصول نمایندگی شرکت در مقابل اشخاص ثالث به عهده رئیس هیأت مدیران است و در صورتی که هیأت مدیران از یک نفر تشکیل شده باشد^۳ این امر در صلاحیت مدیر عمومی واحد است (بند ماده ۶۶-۲۲۵ ق.ت) که توسط شورای نظارت و نه اعضاء دیگر هیأت مدیران معین می شوند.

انتخاب رئیس هیأت مدیران الزامی است. بنا براین عدم انتصاب کسی به این سمت به بهانه حفظ تساوی کامل بین اعضاء هیأت مدیران بدون ترجیح موقعیت یکی بر دیگری محکوم است. لیکن اساسنامه می تواند به شورای نظارت اختیار دهد، نمایندگی شرکت را به یک یا چند عضو دیگر هیأت مدیران نیز واگذار کند، که این اشخاص عنوان «مدیران عمومی» را خواهند داشت (بند ۲ ماده ۶۶-۲۲۵ ق.ت).

به نظر می رسد که اختیار تعیین اشخاص اخیر نیاز به اخذ نظر رئیس هیأت مدیران ندارد و حتی بر خلاف نظر این مقام هم شورای نظارت می تواند به اشخاص مزبور نمایندگی اعطا کند. این تصمیم را شورا می تواند در هر زمان هم اتخاذ کند. در برابر اشخاص ثالث رئیس هیأت مدیران و مدیران عمومی دارای حق و اختیار مساوی هستند. تمام آن ها حق دارند به نام و حساب شرکت عمل کنند و کلیه اختیارات اعطایی به هیأت مدیران را دارند. حتی اگر بین اعضاء این ارگان تقسیم وظائف شده باشد. محدودیت هایی که در ارتباط با نمایندگی شرکت برای نمایندگان آن معین می شود، در مقابل اشخاص ثالث قابل استناد نیست. (بند ۳ ماده ۶۶-۲۲۵ ق.ت).

^۱. Com. ۱۱ juin ۱۹۶۵. G.P. ۱۹۶۵. ۲. ۳۲۱۲

^۲. Giv. ۴ juin ۱۹۶۶ G.P. ۱۹۶۶. ۲. ۱۳۶

^۳. این فرض زمانی مصداق دارد که سرمایه شرکت از ۱۵۰,۰۰۰ یورو کمتر نباشد. (ماده ۴۴۴) اما ۱۵۰,۰۰۰ - ۲۲۵

تفویض نمایندگی از جانب مدیران: در عمل بخصوص در مورد شرکت های مهم، نمی توان به طور مطلوب شرکت را اداره کرد، مگر آن که رئیس هیأت مدیران و مدیران عمومی بتوانند اختیار نمایندگی خود را به مستخدمین شرکت (مدیر خدمات مالی و اداری و فنی و غیره) تفویض کنند. این تفویض اختیار قانونی به نظر می رسد، مشروط به این که محدود به اقدامات خاص باشد، نه به طور کلی.

۴- تعهدات هیأت مدیران در مقابل شورای نظارت:

تعهدات هیأت مدیران در مقابل شورای نظارت به شرح زیر است:

✓ اول- گزارش سه ماهه: هیأت مدیران باید، لااقل یک بار در هر سه ماه گزارشی درخصوص اداره شرکت تقدیم شورای نظارت کند (بند ۴ ماده ۶۸-۲۵۰ ق.ت) هیچ دلیلی وجود ندارد که اساسنامه نتواند مهلتی کمتر از سه ماه برای تقدیم گزارش مزبور معین کند.

✓ دوم- تنظیم حساب های سالانه: هیأت مدیران مکلف است، ظرف مهلت سه ماه از تاریخ ختم هر دوره عملیاتی محاسب های سالانه (بیلان حساب سود و زیان و ضمایم) شرکت را تنظیم و برای نظارت و کنترل تسلیم شورای نظارت کند. همچنین ظرف همان مهلت هیأت مدیران باید حساب های تلفیقی شرکت های وابسته به شرکت را (اگر شرکت عضوگروهی از شرکت ها باشد) تسلیم کند (بند ۵ از ماده ۶۸-۲۵۰ ق.ت و ماده ۱۱۴ آیین نامه).

سوم- گزارش فعالیت و وضع عمومی شرکت: هیأت مدیران باید علاوه بر این گزارش را که باید به مجمع عمومی در مورد فعالیت و وضع عمومی شرکت تسلیم شود به شورای نظارت تقدیم کند. این گزارش در زمانی تقدیم مجمع عمومی می شود که مجمع دعوت شده تا به حسابهای سالانه شرکت رسیدگی نماید و در مورد آن تصمیم گیری کند.

گزارش مورد بحث باید در زمانی به شورای نظارت تسلیم شود که این شورا بتواند آن را بررسی کرده و احیاناً فقط نظرات خود را در مورد آن بیان کند.

۵- تعهدات در مقابل سهامداران: همانند هیأت مدیره هیأت مکلف به انجام وظایفی در قبال سهامداران است این وظایف عمدتاً عبارتند از:

۱. تنظیم سالانه صورت دارائی و حساب های (بیلان حساب ها سود و زیان و ضمیمه) سال مالی (ماده ۱-۲۳۲ ق.ت):

^۱. Comptes Consolidés

^۲. Rapport de gestion

۲. تنظیم گزارش های مختلف برای تأیید حسابها، برای افزایش سرمایه، برای انتشار اوراق قرضه قابل تبدیل، قابل تعویض؛

۳. تسلیم یا ارسال مدارک لازم جهت کسب اطلاع سهامداران.

ج- حق الزحمه اعضاء هیأت مدیران:

حق الزحمه هریک از اعضاء هیأت مدیران (توسط شورای نظارت هنگام انتصاب هر ذینفع معین می شود (ماده ۶۳-۲۲۵ ق.ت). به نظر می رسد که این قاعده جنبه آمره داشته باشد (اساسنامه نمی تواند این امتیاز شورای نظارت را محدود کرده و به مجمع عمومی اعطا کند.) شورای نظارت مکلف است حق الزحمه هر عضو هیأت مدیران را معین کند و نمی تواند مبلغی کلی معین و اختیار تقسیم آن بین اعضاء هیأت را به خود اعضا واگذار کند. شورای نظارت می تواند به تشخیص خود برای تمام اعضاء هیأت مدیران یا برای بعضی از آن ها حق الزحمه ای به تناسب فروش یا منافع شرکت یعنی به صورت درصدی از یکی از دو معیار، مقرر نماید.

* همان طور که در مورد شرکت های سهامی تک مدیریتی صدق می کند؛ تعیین حق الزحمه اعضاء هیأت مدیران به منزله قرارداد بین شرکت و یکی از مدیران آن نیست که نتوان فسخ کرد. رویه قضایی چنین تصمیم گرفته است که شورای نظارت می تواند از تصمیم چندروز قبل خود به افزایش حق الزحمه هیأت مدیران عدول کند.

مبحث سوم - قرار دادهای بین شرکت و یکی از اعضاء هیأت مدیران

رژیم حقوقی قراردادهای بین شرکت و یکی از اعضاء هیأت همان است که در مورد شرکت های تک مدیریتی مقرر است، تنها اختلاف راجع است به قواعدی که به جهت وجود شورای نظارت در کنار هیأت مدیران مقرر شده اند؛ این قواعد عمدتاً مربوط به تشریفات است که باید در انعقاد این قراردادهای رعایت شود و در نکات زیر خلاصه می شوند:

۱- عضو هیأت مدیران مکلف است به محض اطلاع از قرار دادی که مشمول تشریفات کنترل می شود شورای نظارت را آگاه کند. (از ماده ۸۸-۲۲۵ ق.ت)

^۱. Com. ۱۶ juillet ۱۹۸۵. Bull IV no ۲۳۱

✓ ۲- شورای نظارت در مورد اجازه انعقاد قرارداد، قبل از انعقاد تصمیم گیری می کند. (بند ۱ ماده

۸۶-۲۲۵ ق.ت)

✓ ۳- رئیس شورای نظارت (بازرسان حساب) را از قراردادهای اجازه داده شده مطلع و آن ها را در مجمع عمومی مطرح می کند. بازرسان حساب در مورد این قراردادها گزارش خاصی به مجمع

ارائه خواهند کرد که در آن شخص ذینفع حق دادن رأی ندارد و سهامش برای احراز حد نصاب و

✓ اکثریت به حساب نمی آیند. (ماده ۸۸-۲۲۵ ق.ت)

مبحث چهارم - مسئولیت اعضاء هیأت مدیران

۱. مسئولیت مدنی

اعضاء هیأت مدیران مشمول همان مسئولیت مدنی هستند که اعضاء هیأت مدیره (شرکت سهامی تک مدیریتی) (بند ۱ ماده ۲۵۶-۲۲۵ ق.ت). چون ما در مقام بیان ویژگی های مدیریت شرکت دو مدیریتی هستیم لذا از بیان قواعد حاکم بر این مسئولیت ها خودداری می کنیم.

۲. مسئولیت جزایی

همان مطالب بالا در مورد مسئولیت جزایی نیز صدق می کند تنها باید گفت که مسئولیت های اعضاء هیأت مدیران تابع مواد ۴۶۴، ۴۷۹ و ۴۸۹ هستند که بر حسب وظیفه قابل اعمال به اعضاء هیأت مدیران و اعضاء هیأت نظارت هستند. این مجازات ها همان است که بر حسب این که چه جرمی ارتکاب یافته باشد، گریبانگیر رئیس و اعضاء هیأت مدیره یا مدیران عمومی شرکت سهامی کلاسیک می شود. (ماده ۳۴۱-۲۴۱ ق.ت)

بخش دوم - شورای نظارت

با وجود اختلاف در وظایف شورای نظارت و هیأت مدیره (شرکت سهامی کلاسیک) مقررات حاکم بر شورای نظارت به نحو چشمگیری از مقررات راجع به هیأت مدیره اقتباس شده است: شورای نظارت تنها وظیفه کنترل هیأت مدیران در اداره فعالیت شرکت را به عهده دارد هیأت مدیره علاوه بر این در اداره فعالیت شرکت (Gestion) هم ^{شورای} تصمیم گیری است. بیهوده نیست که بعضی قواعد راجع به شورای نظارت اقتباس کامل قواعد حاکم بر هیأت مدیره است؛ با این توضیح در این بخش ضمن پرداختن به مطالب زیرهرجا که قواعد حاکم بر شورای نظارت و هیأت مدیره یکسان باشد، خوانندگان را به قواعد مربوط در بحث شرکت های سهامی نوع سستی ارجاع می دهیم. این بخش را هم به چهار بحث زیر تقسیم می نماییم:

۱. اعضاء شورای نظارت؛

۲. طرز کار شورای نظارت؛

۳. قراردادهای بین شرکت و اعضاء شورای نظارت که تابع مقررات راجع به قراردادهای بین شرکت و اعضاء هیأت مدیره است؛

۴. مسئولیت مدنی و جزایی اعضاء شورای نظارت.

از زمان تصویب قانون (۱۲۱۱ اکتبر ۱۹۸۶) شورای نظارت ممکن است یک یا چند نفر از مستخدمین شرکت را به عنوان عضو داشته باشد در این صورت قواعد حاکم برشورا همان قواعدی است که در مورد هیأت مدیره گفته شده، در فرضی که منتخبین کارکنان شرکت در هیأت مدیره عضویت دارند.

بحث اول - اعضاء شورای نظارت

الف - تعداد اعضاء شورای نظارت

شورای نظارت حداقل از سه و حداکثر از ۱۸ عضو تشکیل می شود (ماده ۶۹-۲۲۵ ق.ت). اگر کارکنان صاحب سهم شرکت یا پرسنل شرکتی که به شرکت وابسته است بیش از ۳٪ سرمایه شرکت را دارا باشند، یک یا چند نفر از اعضاء شورای نظارت باید از میان کارکنان سهامدار باشد. تعداد این اعضا در احتساب حداقل (سه نفر) و حداکثر (۱۸ نفر) منعکس در ماده ۶۹-۲۲۵ قانون تجارت به حساب نمی آیند (ماده ۷۱-۲۲۵ ق.ت).

ب- انتصاب اعضاء شورای نظارت

بند اول- شرایط انتصاب

۱- شرط سهامدار بودن

مانند اعضاء هیأت مدیره و تحت همان شرایط اعضاء شورای نظارت باید دارای تعداد سهامی که اساسنامه معین می کند باشند (ماده ۷۲-۲۲۵ ق.ت).

اگر مالک نباشد یا بعداً مالکیتش را از دست بدهد، مستعفی شناخته می شود مگر آنکه ظرف سه ماه وضع خود را تصحیح کند (بند ۲ ماده ۷۲-۲۲۵ ق.ت). این مقررات به اعضاء منتخب کارکنان که به این عنوان انتخاب می شوند ارتباط ندارد (بند ۳ ماده ۷۲-۲۲۵ ق.ت). معذک اعضاء شورای نظارت نمی توانند، به هیچ وجه صاحب سهام با سود مرجع بدون حق رأی که توسط شرکت انتشار یافته است، باشند.

۲- اهلیت، محرومیت ها و محکومیت ها

- صغار: صغیر غیرمحجور می تواند عضو شورای نظارت یک شرکت سهامی باشد. بر عکس صغیر محجور نمی تواند چنین وظیفه ای را به عهده بگیرد.

- محجورین غیر صغیر (تحت قیمومیت) را نمی توان به عنوان عضو شورای نظارت انتخاب کرد، زیرا از اهلیت کامل برخوردار نیستند.

- همسران: یک زوج صاحب سهم می تواند بدون توجه به وضع مالی ناشی از ازدواجشان به عنوان اعضاء شورای نظارت یک شرکت انتخاب و در یک شورا شرکت کنند.

- بیگانگان: بیگانگان علی الاصول از عضویت در شورای نظارت یک شرکت فرانسوی محروم نیستند، مگر آن که اساسنامه خلاف آن را پیش بینی کرده باشد. علاوه بر این لازمه عضویت در شورای نظارت داشتن کارت بازرگانی نیست.

- وکلای دادگستری: وکلای دادگستری در صورتی می توانند عضو شورای نظارت شوند که لااقل هشت سال سابقه کار وکالت داشته باشند.

- بازرسان حساب: کسانی که در لیست بازرسان حساب قرار دارند می توانند عضو شورای نظارت باشند، مگر در مورد شرکتی که کنترل آن را به عهده دارند (علاوه بر این بازرسان حساب می توانند بلافاصله بعد از توقف وظائفشان در یک شرکت، عضو شورای نظارت همان شرکت بشوند) در واقع مفاد ماده ۲۲-۲۲۵ قانون که مقرر می کند که برای احراز عضویت

هیأت مدیره، مدیریت عمومی، یا عضویت هیأت مدیران، بازرسان حساب یک شرکت باید پنج سال

سال پس از توقف وظیفه اش در شرکت اقدام کند، در مورد اعضاء شورای نظارت صدق نمی کند.

• اعضاء هیأت مدیران: هیچ یک از اعضاء هیأت مدیران نمی تواند عضو شورای نظارت باشد. (۷۴-۲۵۰ ق.ت)

• ورشکستگی شخصی: کسانی که به ورشکستگی شخصی محکوم شده اند، نمی توانند عضو شورای نظارت یک شرکت سهامی شوند.

۳- جمع عضویت در شورای نظارت و قرار داد کار

قاعده: از زمان تصویب قانون شماره ۱۲۶-۹۴ مورخ ۱۱ فوریه ۱۹۹۴، اعضاء شورای نظارت می توانند، تا سقف یک سوم تعداد اعضاء موجود شورای نظارت، نمایندگی شان را با یک قرارداد کار در شرکت جمع کنند. (بند ۸۵-۲۵۰ ق.ت) در قانون قبلی جز در موارد استثنائی چنین جمع بین دو وظیفه در شرکت وجود نداشت و تصور می شد که چنین وضعیتی استقلال عضو شورای نظارت را نسبت به شرکتی که از آن حقوق دریافت می کند از میان می برد. این امر یکی از عللی بود که باعث می شد بسیاری به این شکل از مدیریت روی نکنند، چراکه چنین ممنوعیتی دست مدیران و شرکت را می بست و شرکت مجبور بود که برای کنترل از میان اشخاص خارج از شرکت، اشخاصی را انتخاب کند که خود موجب بروز اشکال برای شرکت بود.

قرارداد کار وقتی وجود دارد و عضو شورای نظارت وقتی می تواند مدعی مزد برای کار شود که کار موثر واقعی در شرکت انجام دهد (۸۵-۲۵۰ ق.ت)، علاوه بر این برای آن که بتوان از قرارداد کار صحبت کرد، شخص باید در موقعیت آمر و مأموری باشکرت قرار گیرد.

برخلاف آنچه در مورد اعضاء هیأت مدیره صدق می کند، به نظر می رسد که یک عضو شورای نظارت شاغل می تواند قبل یا بعد از عضویت در شورا و بدون نیاز به تصمیم گیری شورای نظارت، با شرکت قرارداد کار منعقد کند. (ن)

سقف تعداد اعضاء شورای نظارت که قرارداد کار منعقد می کنند: همانطور که گفته شد تعداد اعضاء شورای نظارت استخدامی شرکت نمی توانند از یک سوم تعداد اعضاء شاغل در شورا تجاوز کند (بند ۲ ماده ۸۵-۲۵۰ ق.ت).

مانند اعضاء هیأت مدیره، اعضاء شورای نظارت منتخب کارگران و آن هایی که نماینده کارگران صاحب سهم هستند، نباید در تعیین سقف محدودیت بالا به حساب آیند. علاوه، محدودیت قاعده یک سوم در موارد زیر قابل اعمال نیست: exc

۱. در شرکت هایی که بهره برداری از یک آزمایش آنالیز بیولوژی پزشکی را فعالیت خود قرار داده اند (ماده ۱۱-۷۵۶ قانون بهداشت عمومی)؛

۲. در شرکت هایی که موضوع فعالیت آن ها شغل آزاد است (بند ۲ ماده ۱۲ قانون ۳۱ دسامبر ۱۹۹۰)؛

۳. در شرکت های تعاونی تولید کارگران (بند ۱ ماده ۱۵ قانون ۱۹ ژوئیه ۱۹۷۸)؛

۴. در شرکت هایی که در آن ها دولت یا مؤسسات دولتی بیش از ۵٪ سرمایه شرکت را دارند. (ماده ۱۵ قانون ۲۷ دسامبر ۱۹۷۳).

۴- سقف تعداد نمایندگی ها

علی الاصول یک شخص حقیقی نمی تواند عضو بیش از پنج شورای نظارت باشد، همین قاعده البته، در مورد عضویت در هیأت مدیره شرکت های سهامی تک مدیریتی صادق است، محدودیت البته وقتی اعمال می شود که مرکز اداری شرکت های سهامی در سرزمین اروپایی فرانسه باشد (بند ۱ ماده ۷۷-۲۵۰ ق.ت).

برخلاف مقررات بند یک فوق، برای احتساب تعداد عضویت های بالا، عضویت هایی که عضو شورای نظارت در شرکت های تحت کنترل شرکتی دارد که در آن عضو شورای نظارت است به حساب نمی آیند (بند ۲ ماده ۷۷-۲۵۰ ق.ت). علاوه بر این عضویت های عضو شورای نظارت که در بورس پذیرفته نشده اند، ^{در صورت} آن ها یک عضویت به حساب می آیند، جز در مواردی که تعداد این عضویت ها بیش از ده باشد (بند ۳ ماده ۷۷-۲۵۰ ق.ت) در صورت عدم مراعات مقررات این ماده، شخص متخلف مستعفی شناخته می شود مگر آن که ظرف سه ماه وضعیت خود را تصحیح کند (بند ۴ ماده ۷۷-۲۵۰ ق.ت).

۵- محدودیت سنی

محدودیت سنی مربوط به اعضاء هیأت مدیره شرکت های تک مدیریتی در مورد اعضاء شورای نظارت نیز اعمال می شود (۷۰-۲۵۰ ق.ت) در نتیجه :

۱. جز در صورت پیش بینی خاص اساسنامه، تعداد اعضاء بالای ۷۰ سال شورای نظارت نمی تواند از یک سوم تعداد آن ها بیشتر باشد، هر انتصاب خلاف این قاعده باطل تلقی می شود.

۲. وقتی که حد نصاب مزبور حاصل می شود، مسن ترین عضو شورا مستعفی تلقی می شود، لیکن اساسنامه می تواند ترتیب دیگری برای حفظ سقف یک سوم بالا مقرر کند (قرعه کشی، استعفای فوری عضوی که سابقه بیشتر از دیگران در شورا دارد و جز آن).

۶- شخص حقوقی عضو شورای نظارت

هر شخص حقوقی عضو شورای نظارت باید یک شخص حقیقی را به نمایندگی دائم برگزیند. نماینده مزبور از لحاظ حقوق و تکالیف و مسئولیت های مدنی و کیفری تابع همان قواعدی است که در مورد اعضاء اصیل شورای نظارت مقرراست (بند ۱ ماده ۷۶-۲۲۵ ق.ت).

بند دوم - طرز انتصاب

۱- انتصاب حین تشکیل

در مورد شرکت های سهامی خاص: اولین اعضاء شورای نظارت این شرکت ها در اساسنامه معین می شوند. (بند ۱ ماده ۷۵-۲۲۵ ق.ت)

در مورد شرکت های سهامی عام: اعضاء شورای نظارت این شرکت با رأی خاص حین تشکیل مجمع عمومی مؤسس انتخاب می شوند. (بند ۱ ماده ۷۵-۲۲۵ ق.ت) قبول سمت توسط اعضاء انتخاب شده شورای نظارت تابع همان قواعدی است که در مورد اعضاء هیأت مدیره شرکت های سهامی عام تک مدیریتی مقرر است.

۲- انتصاب در طول حیات شرکت

انتصاب اعضاء شورای نظارت توسط مجمع عمومی عادی: در طول حیات شرکت انتصاب اعضاء شورای نظارت به عهده مجمع عمومی عادی است. این نکته در مورد شرکت های سهامی عام و خاص انتصاب صدق می کند. (بند ۱ ماده ۷۵-۲۲۵ ق.ت) در مورد شرکت های بخش عمومی انتصاب تابع قواعد خاص است.

در صورتی که اساسنامه پیش بینی حضور نمایندگان کارگران در شورای نظارت نمی کنند، انتخاب این اعضاء تابع قواعد راجع به انتخاب نمایندگان کارگران در هیأت مدیره شرکت های تک مدیریتی است.

۳- ضمانت اجراهای مدنی

انتصاب اعضاء شورای نظارت ممکن است به همان اسباب و طبق قواعدی که در مورد انتصاب اعضاء هیأت مدیره مقرر شده، باطل شود در نتیجه هر انتصاب مخالف با مقررات قانون یا اساسنامه باطل است. رویه قضایی در مورد اعضاء هیأت مدیره چنین تصمیم گرفته است که بطلان انتصاب مدیران به دلایل فوق موجب بطلان تصمیماتی است که با حضور و رأی این گونه مدیران اتخاذ

شده اند. (معذک هرگاه تصمیمی بدون در نظر گرفتن رأی مدیری که انتصابش باطل است، صحیح باشد، تصمیم باطل نمی شود.)^۱

هرگاه انتصاب مطابق مقررات انتشار مقررات انتشار یافته باشد، نه شرکت و نه اشخاص ثالث نمی توانند برای ابطال تعهداتشان به عدم انتصاب عضو شورای نظارت مربوطه مطابق قانون یا اساسنامه استناد کنند. (ماده ۹-۲۱۰ ق.ت)

۴- انتشار انتصاب اعضاء شورای نظارت ✓

انتصاب اعضاء شورای نظارت باید انتشار یابد. برای اعضاء شورای نظارت انتخاب شده حین تشکیل شرکت انتشار انتصاب جزئی از انتشار و ثبت شرکت است یعنی ثبت شرکت با ثبت نام اعضاء شورای نظارت همراه است، ولی در صورتی که اعضاء شورای نظارت در طول حیات شرکت انتخاب شوند، انتشار و ثبت نام آن ها تابع مقررات عام انتشار و ثبت مقرر در مورد شرکت های دیگر است.

ج مدت مأموریت اعضاء شورای نظارت

۱- حد اکثر مدت مأموریت:

مدت مأموریت اعضاء شورای نظارت در اساسنامه معین می شود. معذک، باید توجه کرد که، طبق بند ۱۵-۲۲۵ از ماده ۳۴ قانون تجارت مدت مزبور در مورد اولین اعضاء شورای نظارت معین شده در اساسنامه، حین تشکیل شرکت سهامی خاص نباید بیشتر از سه سال باشد، در موارد دیگر (اعضاء شورای نظارت معین شده در طول حیات شرکت اولین اعضاء نظارت شرکت سهامی عام) حد اکثر مدت مزبور ۶ سال خواهد بود.

هرگونه مدت معین شده خارج از مدت های مقرر توسط قانون باطل است (بند ۳ ماده ۷۵-۲۲۵ ق.ت). معذک، هرگاه انتصاب اعضاء مطابق مقررات قانونی ثبت و منتشر شده باشد، شرکت و اشخاص ثالث نمی توانند برای شانه خالی کردن از انجام تعهدات خود به بطلان مزبور متوسل شوند (بند ۱ ماده ۹-۲۱۰ ق.ت). در شرکت های بخش دولتی مدت مأموریت اعضاء شورای نظارت الزاماً پنج سال است.

۲- تمدید مأموریت اعضاء شورای نظارت:

مأموریت اعضاء شورای نظارت قابل تمدید است، مگر آن که اساسنامه خلاف آن را پیش بینی کرده باشد (بند ۲ ماده ۷۵-۲۲۵ ق.ت). تمدید مأموریت اعضاء شورای نظارت نیاز به ثبت و انتشار ندارد.

^۱. Com. ۲۴ avril ۱۹۹۰. Buii IV no ۱۲۵

۳- ختم مأموریت اعضای شورای نظارت:

در موارد زیر، مأموریت اعضای شورای نظارت به پایان می رسد:

- در صورتی که مطابق مقررات راجع به حدود سنی عضو مربوطه باید کنار برود؛
 - در صورت فوت؛
 - در صورتی که عضوی از شورا به عضویت هیأت مدیران منصوب شود، از تاریخ انتصاب به سمت اخیر (ماده ۳۷-۲۴۵ آیین نامه)؛
 - در صورتی که مجمع عمومی شرکت را تبدیل به شرکت سهامی تک مدیریتی کند؛
 - انحلال شرکت به هر دلیلی جز «تصفیه قانونی»؛ در صورت تصفیه قانونی بازرسان حساب و اعضای شورای نظارت حتی بعد از انحلال شرکت به کارشان ادامه می دهند.
- مأموریت اعضای شورای نظارت علاوه بر این در موارد زیر نیز خاتمه می پذیرد.
- در صورت استعفاء اعضای شورا یا یکی از آن ها؛
 - از طریق عزل بوسیله مجمع عمومی عادی، در هر زمان (بند ۲ ماده ۷۵-۲۲۵ آ.ق.ت)؛
 - ختم مأموریت عضوی از شورای نظارت به سبب مرگ، استعفا یا به سبب دیگر باید به اطلاع اشخاص ثالث (از طریق ثبت و انتشار) برسد.

مبحث دوم: طرز کار شورای نظارت

شورای نظارت مانند هیأت مدیره یا هیأت مدیران یک ارگان شورایی است.

الف- مذاکرات و شور در شورای نظارت

۱- دعوت به جلسات شورا

- دعوت اعضای شورا: طرق و مهلت های دعوت اعضای شورای نظارت به جلسات شورا در اساسنامه قابل پیش بینی است. (بند ۱ ماده ۷۵-۲۴۵ آیین نامه)

۲۴۵-۲۴۵

۱. تصفیه قانونی (Liquidation Legales) وقتی است که براساس تصمیم دادگاه تجارت و به درخواست اکثریت سهامداران یا یک یا چند نفر از طلب کاران شرکت یا نماینده گروه صاحبان اوراق قرضه انجام می شود در این نوع تصفیه بین سهامداران توافق نیست و اساسنامه نیز در مورد آن چیزی نگفته است. در مقابل این نوع تصفیه، تصفیه قراردادی (Conventiennal) قرار دارد، که مبتنی است بر مقررات اساسنامه یا توافق کلیه سهامداران.

تصفیه قانونی
تصفیه قراردادی

• معذلک هرگاه حداقل یکی از اعضاء هیأت مدیران یا حداقل یک سوم اعضاء شورای

نظارت موجهاً درخواست کنند، رئیس شورای نظارت باید اعضاء شورارا ظرف

حداقل ۱۵ روز از تاریخ درخواست برای تشکیل دعوت نماید (بند ۲ ماده ۱۰۷ آیین

نامه). در صورتی که به درخواست مزبور توجهی نشود تقاضا کنندگان شخصاً ضمن

تعیین دستور جلسه مبادرت به دعوت اعضاء شورای نظارت خواهند کرد. (بند ۳ ماده

۱۰۷ آیین نامه).

باید تذکر داد که شورای نظارت حداقل چهار مرتبه در سال برای بررسی گزارش سه ماهه ای که

هیأت مدیران به او تقدیم می کند و در صورت نیاز یک بار برای بررسی و کنترل اسناد راجع به

سال مالی که هیأت مدیران باید ظرف سه ماه از تاریخ ختم سال مالی به او تقدیم کند، تشکیل

جلسه دهد.

جنبه های دیگر دعوت از اعضاء همان است که در مورد هیأت مدیره شرکت سهامی تک مدیریتی

مقرر است.

• دعوت از بازرسان حساب: بازرسان حساب در صورت ضرورت به جلسات شورای

نظارت دعوت می شوند.

RAT ۲۰۹

در این مورد دعوت باید با ارسال نامه سفارشی دو قبضه باشد (بند ۴ ماده ۱۹۲ آیین نامه). دعوتنامه

باید در عین حال برای بازرسان و اعضاء شورا ارسال گردد (بند ۲ ماده ۱۹۳ آیین نامه). ضمناً نمایندگان

کمیته کار با رأی مشورتی در شورا شرکت می کنند.

۲- نمایندگی اعضاء شورای نظارت: اعضاء شورای نظارت می توانند به جای شرکت شخصاً در

جلسات شورا نماینده ای از جانب خود معین کنند مشروط به این که اساسنامه هدف این امر

را پیش بینی نکرده باشد. شرایط این نمایندگی همان است که در مورد اعضاء هیأت مدیره

مقرر است (ماده ۱۰۷-۱ آیین نامه).

۳- تنظیم صورت جلسه

حضور اعضاء شورای نظارت با تنظیم صورت جلسه ای تسجیل شود که به اعضاء حضار می

رسد (ماده ۱۰۸ آیین نامه). شرایط حاکم بر تنظیم صورت جلسه حضور همان است که در مورد

صورت جلسه حضور اعضاء هیأت مدیره مقرر است.

۴- هیأت رئیسه شورا

Comite d'entreprise

تدوین هیئت رئیسه شورا:

• رئیس و نایب رئیس:

شورای نظارت از میان اعضاء یک رئیس و یک نائب رئیس انتخاب می کند (بند ماده ۸۱-۲۲۵ ق.ت).

رئیس و نائب رئیس باید از میان اشخاص حقیقی انتخاب شوند و الا انتخاب باطل خواهد بود (بند ماده ۸۲-۲۲۵ ق.ت).

غیر از مقررات راجع به منع مأموریت های متعدد برای اعضاء شورای نظارت که قبلاً به آن اشاره شد، هیچ متن قانونی یا آیین نامه ای برای تصدی وظایف رئیس شورای نظارت در شرکت های مختلف توسط یک شخص محدودیتی مقرر نمی کند. پست های متعدد رئیس شورای نظارت برای شمارش تعدد پست های رئیس هیأت مدیره و محدودیت های راجع به آن احتساب نمی شود، همین طور برای شمارش تعدد پست های هیأت مدیره ای که یک شخص ممکن است اشغال کرده باشد.

رئیس و نائب رئیس مشمول مقررات راجع مقررات راجع به حدود سنی اعضاء شورای نظارت است، مگر آن که اساسنامه ترتیب دیگری مقرر کرده باشد.

• مدت تصدی هیأت رئیسه شورا:

با وجود مقررات بند ۲ ماده ۸۱-۲۲۵ قانون تجارت که به موجب آن رئیس و نایب رئیس وظایف خود را در مدت نمایندگی شورای نظارت انجام می دهند، به نظر می رسد که مدت وظایف رئیس و نایب رئیس باید به مدت نمایندگی خود آن ها به عنوان عضو شورا بستگی داشته باشد. در واقع ماده ۷۵-۲۲۵ قانون مزبور مقرر می کند که اعضاء شورای نظارت برای مدت معین شده در اساسنامه انتخاب می شوند.

همان طور که رئیس و نایب رئیس شورای نظارت توسط شورای مزبور انتخاب می شوند، شورای مزبور هم می تواند آن ها را عزل کند. معذک آن ها پس از عزل از سمت ریاست و نیابت ریاست به عنوان عضو شورا باقی می ماند، مگر آن که مجمع عمومی آن ها را از این سمت نیز عزل کند.

• مأموریت رئیس و نایب رئیس:

رئیس و نایب رئیس وظیفه و صلاحیت دارند، شورای نظارت را برای تشکیل جلسه دعوت کنند و جلسات آن را اداره کنند (بند ماده ۸۱-۲۲۵ ق.ت). آن ها بعلاوه می توانند رو نوشت (کپی) خلاصه صورت جلسات شورا را تصدیق کنند (ماده ۱۱۱ آیین نامه).

R ۲۳۴ - ۲۱

در صورت عدم امکان حضور رئیس یا در صورتی که رئیس به خوبی به وظایف خود عمل نکند، نایب رئیس مأموریت های مزبور را در همان شرایط رئیس انجام خواهد داد. مثلاً در صورتی که نایب رئیس ریاست مذاکرات را به عهده دارد؛ اوست که اطلاعات محرمانه را معین و گوشزد می کند (ماده ۹۲-۲۲۵ ق.ت). علاوه بر این او می تواند شورای نظارت را به درخواست یکی از اعضا هیأت مدیران یا بخشی از اعضا شورای نظارت دعوت کند.

بر عکس، به نظر می رسد که تنها رئیس صلاحیت دارد بازرسان حساب را از قرارداد هایی که بین شرکت و یکی از اعضا هیأت مدیران یا شورای نظارت منعقد می شود مطلع کند. (بند ۲ ماده ۸۸-۲۲۵ ق.ت)

• حق الزحمه رئیس و نایب رئیس:

شورای نظارت بدون آن که مکلف باشد، می تواند برای رئیس یا نایب رئیس حق الزحمه معین کند. (بند ۱ ماده ۸۱-۲۲۵ ق.ت) چون مواد ۴۱-۲۲۵ و ۸۱-۲۲۵ قانون تجارت در مورد رئیس و نایب رئیس هیأت مدیره (شرکت های کلاسیک) و شورای نظارت به این عبارت است که هیأت یا شورا حق الزحمه قابل پرداخت به رئیس را معین می کند؛ تعیین حق الزحمه رئیس و نایب رئیس شورای نظارت، قرارداد نیست که مشمول مقررات راجع به تأیید قرارداد های بین شرکت و اعضا شورا باشد.

• منشی:

اساسنامه می تواند علاوه بر تعیین رئیس و نایب رئیس مقرر کند که یک منشی برای هیأت رئیسه انتخاب شود، انتخاب می تواند از میان اعضا شورای نظارت یا خارج از شورای مزبور باشد.

۵- حد نصاب

برای رسمیت جلسات شورای نظارت حضور حد اقل نیمی از اعضا لازم است. اگرچه بند یک ماده ۸۲-۲۲۵ قانون تجارت که این مقررات را بیان می کند، قید نمی کند که ترتیب شرط خلاف این مقررات باطل است، لیکن تردید نیست که مقررات مزبور دارای جنبه آمره هستند و عمل بر خلاف آن باطل است (بند ۲ ماده ۱-۲۲۵ ق.ت). بنابر این هرگاه اعضا شورا شخصاً حاضر نباشند، نمایندگان حاضر آن ها، در تعیین حد نصاب احتساب نخواهند شد.

۶- اکثریت

تصمیمات به اکثریت اعضاء حاضر و نمایندگان اعضاء غایب اتخاذ می شوند (بند ۲ ماده ۸۲-
 ۲۲۵ ق.ت). اساسنامه می تواند خلاف این قاعده را مقرر کند (بند ۲ ماده ۸۲-۲۲۵ ق.ت). اساسنامه می
 تواند علاوه بر این اعضاء شورارا مکلف به حضور شخصی در جلسات کند.
 ۶- علی الاصول رأی رئیس جلسه (رئیس یا نایب رئیس شورای نظارت بسته به مورد) در صورت
 تساوی آراء موافق و مخالف دو رأی به حساب می آید. معذک، اساسنامه می تواند خلاف این
 قاعده را به طور صریح مقرر کند (بند ۳ ماده ۸۲-۲۲۵ ق.ت).
 ۷- توافق بر رأی (مشابه و واحد)

همان طور که در مورد هیأت مدیره صدق می کند، می توان اظهار نظر کرد که دادگاه ها
 قراردادهای اعضاء شورای نظارت را که به موجب آن ها اعضاء مزبور توافق می کنند که حقوق
 خود به دادن رأی را به طور مطلق از خود سلب کنند نخواهند پذیرفت.

۸- مجرمانه بودن مذاکرات و مشورت ها

اعضاء شورای نظارت و نیز تمام اشخاصی که در جلسات شورا شرکت می کنند (نظیر اعضاء کمیته
 کار^۱ بازرسان حساب، اعضاء هیأت مدیران و غیره) مکلفند اطلاعات دارای خصیصه مجرمانه ای
 که رئیس شورا اعلام می کند افشا نکنند (ماده ۹۲-۲۲۵ ق.ت). به نظر می آید که این تعهد فاقد
 ضمانت اجرای جزایی باشد. عدم مراعات آن ضمانت اجرایی جز پرداخت ضرر و زیان ندارد.

۹- صورت مجالس تشکیل شورای نظارت

ضرورت تنظیم صورت مجلس: بعد از هر جلسه شورا لازم است صورت مجلس جلسه تنظیم
 شود (ماده ۱۰۹ آیین نامه).

رئیس یا قائم مقام و در غیاب آن ها عضو شورای نظارتی که ریاست جلسه را به عهده داشته و
 مبادرت به تنظیم صورت مجلس مذاکرات شورا و ثبت آن در دفتر مخصوص نکرده باشد، محکوم
 به پرداخت جریمه ای معادل ۳۷۵۰ یورو خواهد شد (ماده ۳۰-۲۴۲ ناظر بر ماده ۷-۲۴۲ ق.ت).

محتوا و نگهداری صورت جلسه: قواعد راجع به مندرجات و طرز نگهداری صورت جلسه همان
 است که برای صورت جلسه هیأت مدیره مقرر شده است (ماده ۱۰۹ و بند ۱ ماده ۱۱۰ آیین نامه).

در نتیجه صورت جلسه باید در دفتر مخصوصی که در مرکز شرکت نگهداری می شود، ثبت گردد.
 دفتر مزبور باید دارای شماره صفحه باشد و پاراف شود، دفتر مزبور می تواند دارای صفحات
 متحرک باشد لیکن باید شماره داشته باشند و پاراف شوند.

^۱. Comite d'entre prise

در صورت جلسه باید نام اعضاء شورای نظارت ذکر گردد و قید شود که چه کسانی حضور دارند و چه کسانی غایب (موجه یا غیر موجه) هستند. حضور یا غیبت اشخاصی که به موجب قانون باید دعوت شوند (مثلاً اعضاء کمیته کار) نیز باید تذکر داده شود و به طور کلی نام هر شخصی که ولو به گونه ای موقت در جلسه شرکت کرده باشد، باید در صورت جلسه قید گردد.

علاوه بر این موارد، که ماده [۸۶] آیین نامه مقرر کرده است، در صورت جلسه باید خلاصه مذاکرات و نیز تصمیمات متخذه از طریق رأی گیری و نتایج آراء ذکر شود.

هرگاه عضوی با تصمیم خاصی مخالف باشد، باید خواستار شود که مخالفت او در صورت جلسه قید شود و الا ممکن است عندالاقضاء به پرداخت خسارت ناشی از تصمیم مزبور به عنوان عضو شورا محکوم شود.

امضاء صورت جلسه: صورت جلسه توسط رئیس جلسه و حداقل یک عضو شورای نظارت امضاء می شود. اگر رئیس عذری داشته باشد، صورت جلسه توسط دو نفر از اعضاء شورا امضاء خواهد شد (بند ۲ ماده [۸۶] آیین نامه).

آرزش حقوقی صورت جلسه: صورت جلسه در صورتی معتبر است که دلیل خلاف آن [ها] وجود ندارد نداشته باشد، در حقیقت این اسناد از جمله اسناد عادی (غیر رسمی) تلقی می شوند بنا بر این هر ذینفعی خواهد توانست مندرجات آن را با هر دلیل مخالف زیر سؤال ببرد و غیر واقع معرفی کند.

۱۰- بطلان مذاکرات: مذاکرات شورای نظارت را می توان به خاطر عدم رعایت مقررات قانونی آمره راجع به این مذاکرات یا به خاطر نقض اصول کلی حقوق ابطال کرد (ماده ۱-۲۳۵ ق.ت).

ب- مأموریت شورای نظارت

• اختیارات نظارتی

کنترل دائم: شورای نظارت اختیار کنترل دائم و مستمر اداره شرکت توسط هیأت مدیران را دارد (بند ۱ ماده ۶۲ - ۲۲۵ ق.ت). با این حساب شورا دارای اختیارات زیر است:

۱- شورا می تواند در هر زمان از سال بررسی ها و نظارت هایی را که لازم می داند به عمل آورد و برای انجام وظیفه اش می تواند هر نوع مدرکی را که مفید می داند مطالبه کند (بند ۳ ماده ۶۸ - ۲۲۵ ق.ت). این کنترل مستقل از کنترلی است که توسط بازرسان حساب باید انجام شود، این کنترل

^۱ T.g.i Millan ler octobre ۱۹۷۰. Go....pal ۱۹۷۱. ۱. ۸۷

مورد نوشته شود

عند اقتضاء

ماده ۶۸ و ۶۹ از قانون اساسی

نه تنها شامل صحت حساب ها که در وظیفه و اختیار بازرسان حساب است، می شود بلکه ضرورت اعمال مدیریتی هیأت مدیران را نیز در بر می گیرد. معذک در اجرای وظیفه کنترل عمومی اش، شورای نظارت مجاز نیست مانع انجام وظیفه بازرسان حساب یا مدیران شده و خود را داخل در اموری کند که به این ارگان ها مربوط می شود؛ کنترل نباید موجب اختلاط وظایف این مدیریت شود.

۲) هیأت مدیران باید حداقل هر سه ماه یک بار گزارشی به شورای نظارت تسلیم کند (بند ۶ ماده ۶۸-۲۵۰ ق.ت). هیچ متن قانونی یا آیین نامه ای محتوای این گزارش را معین نکرده است؛ معذک شک نیست که هیأت مدیران باید گزارش کاملی از نحوه فعالیت شرکت را به شورا تسلیم کند و ضمناً منظور از گزارش قطعاً گزارش کتبی است.

۳) گزارش به مجمع عمومی سالانه: هر سال شورای نظارت باید گزارشی متضمن نقطه نظرات خود در خصوص گزارش هیأت مدیران و نیز در خصوص حساب های سال مالی به مجمع عمومی تسلیم کند (بند ۶ ماده ۶۸-۲۵۰ ق.ت).

۴) اختیارات خاص شورای نظارت: صلاحیت های قانونی خاص شورا به شرح زیرند:

- انتصاب اعضای هیأت مدیران و تعیین حق الزحمه آن ها؛
- انتخاب رئیس هیأت مدیران به مجمع عمومی؛
- پیشنهاد عزل اعضای هیأت مدیران به مجمع عمومی؛
- اعطاء نمایندگی به یک یا چند عضو هیأت مدیران، مشروط به این که اساسنامه پیش بینی کرده باشد؛
- تکمیل اعضای شورای نظارت به طور موقت و سپس پیشنهاد اعضای جدید برای تصویب به مجمع عمومی (Cooptation)؛
- اعطاء اجازه انعقاد قرارداد میان شرکت و یکی از اعضای هیأت مدیران یا شورای نظارت؛
- اعطاء اجازه احراز عضویت در بیش از یک هیأت مدیران به اعضای این هیأت؛
- انتخاب اعضای کمیسیون ها، در صورتی که شورای نظارت تصمیم گرفته باشد که باشد؛
- که کمیسیون های فرعی برای شورا درست کند؛
- تعیین حق جلسه (Jeton de presence) برای اعضاء شورا.

انتقال مرکز شرکت: شورای نظارت علاوه بر این صلاحیت دارد مرکز اصلی شرکت را در حوزه یک استان (Department) و یا از حوزه یک استان به استان های مجاور تغییر دهد. مشروط به این که این تصمیم به تأیید مجمع عمومی عادی برسد.

مبحث سوم: قراردادهای منعقد شده بین شرکت و یکی از اعضای شورای نظارت

* قراردادهای مستقیم یا غیر مستقیم منعقد شده بین شرکت و یکی از اعضای شورای نظارت تابع مقرراتی مشابه مقررات وضع شده برای کنترل قرارداد های منعقد شده با اعضای هیأت مدیره، مدیران عمومی با اعضای هیأت مدیران است.

* آنچه لازم است در این جا ذکر شود این است که عضو شورای نظارت ذینفع در انعقاد قرارداد باید، از زمان اطلاع از قرارداد، مراتب را به شورای نظارت اطلاع دهد (بند ماده ۸۸-۲۲۵ ق.ت) و نمی تواند در رأی گیری شرکت کندی نه در زمان اخذ اجازه و به مناسبت آن و نه در مجمع که در خصوص قرارداد تصمیم گیری می کند (بندهای ۱ و ۴ ماده ۸۸-۲۲۵ ق.ت). علاوه بر این وظیفه مطلع کردن بازرسان حساب به عهده رئیس شورای نظارت است (بند ماده ۸۲-۲۲۵ ق.ت).

بالاخره در صورتی که مجمع عمومی انعقاد قرار داد را رد کند، مسئولیت جمعی متوجه شورای نظارت نیست بلکه به هیأت مدیران مربوط می شود (بند ماده ۸۹-۲۲۵ ق.ت). این ماده فقط از مسئولیت هیأت مدیران سخن می گوید.

* معذک، به موجب قواعد کلی مسئولیت، اعضای شورای نظارت شخصاً مسؤول خطای ثابت شده خود در اعطاء اجازه هستند.

مبحث چهارم: مسئولیت اعضای شورای نظارت

۱. مسئولیت مدنی

خطاهای موجب مسئولیت: اعضای شورای نظارت در مقابل شرکت و اشخاص ثالث تنها مسؤول خطاهای شخصی خود در اجرای نمایندگی اعطایی به آن ها هستند (بند ماده ۲۵۷-۲۲۵ ق.ت). این چنین است وقتی که آن ها در اجرای وظایف نظارتی خود احتیاط لازم را نکرده باشند یا وقتی که آن ها خیلی آسان اجازه تقاضا شده توسط هیأت مدیران را اعطا کرده اند، یا وقتی که آن ها در اجرای مأموریت های خاص که به آن ها واگذار شده است، مرتکب خطاشده اند.